

سیاست ایالات متحده آمریکا در برابر ملت افغان

قسمت اول

تا جائیکه دیده میشود اکثر رئسای جمهور ،کانگرس من ها ، سناتوران و مامورین عالی رتبه حکومت ایالات متحده آمریکا ، ریشه انگلیس داشته و دارند و تاریخ استعمار بریتانیا را در آسیا ، افریقا و آمریکا مطالعه نموده اند، لهذا میتوان گفت که از سه بار شکست اردوی فاتح و جنرالان مغرور انگلیسی در افغانستان و کشته شدن عساکر و افسران شان توسط افغان ها مطلع اند و هیچگاهی فراموش شان نشده و نمی شود. روی همین اصل حکومت ایالات متحده آمریکا با ملت افغان عقده داشته و با حکومت افغانستان روابط و مناسبات دیپلماتیک حسنه نداشته اند.

برای اثبات این ادعا ، تاریخ مناسبات دیپلماتیک ایالات متحده آمریکا را از زمان رژیم امان الله خان غازی تا امروز مختصراً مرور می نمایم.

الف: سیاست ایالات متحده آمریکا از عینک سیاه استعمار بریتانوی: بعد از جنگ سوم افغان و انگلیس که منجر به شکست بریتانیا کبیر و پیروزی کشور ما گردید ، حکومت افغانستان به زعامت غازی امان الله خان هیئت سیاری را به ریاست محمد ولی خان دروازی بکشورهای اروپائی و ایالات متحده آمریکا فرستاد تا افغانستان را بحیث یک کشور آزاد و مستقل برسمیت شناخته و روابط دیپلماتیک با افغانستان برقرار نمایند. زمانیکه هیئت مذکور وارد ایالات متحده آمریکا گردید ، هاردینگ رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا در ابتدا هیئت را بحضور نپذیرفت ، ولی بعداً که با حکومت انگلیس در زمینه مشوره نمود ، هیئت افغانی را به حضور پذیرفت ، اما در جواب تقاضای هیئت افغانی که عبارت از برسمیت شناختن افغانستان و برقرار نمودن مناسبات و روابط دیپلماتیک بود ، جواب مبهم و فریب آمیز داد و باعث رنجانیدن و آزردن ساختن هیئت گردید. بعداً در سال ۱۹۲۲، کورنیلوس انگریست سفیر و دیپلمات ایالات متحده آمریکا مقیم فارس آنروز و ایران امروز ، با استفاده از وقت وارد کابل گردیده از نزدیک با غازی امان الله خان پادشاه افغانستان بازدید و ملاقات نمود. حکومت افغانستان برخلاف حکومت ایالات متحده آمریکا ، از دیپلمات امریکائی دوستانه پذیرائی نمود. انگریست حین بازگشت به فارس مشاهدات خود از افغانستان را طی راپور مفصل به وزارت خارجه آمریکا نوشت و تقاضا نمود تا دولت جدید افغانستان را به رسمیت بشناسند، اما وزارت خارجه آنکشور پیشنهاد دیپلمات خود را در بین دوسیه گذاشته و آنرا به باد فراموشی سپرد.

ب: از سال ۱۹۲۹ الی ۱۹۳۵: بعد از آنکه شاه امان الله خان غازی در سال ۱۹۲۹ از سلطنت دست کشید و کشور را به عزم ایتالیا ترک گفت ، جانشین پرو انگلیسی وی ، نادرشاه و بعد از آنکه نادرشاه در سال ۱۹۳۳ بقتل رسید، پسرش از سال ۱۹۳۳ الی سال ۱۹۵۳، حکومت افغانستان بصورت متداوم ، محافظه کارانه طرفدار غرب بود ، با آنهم ایالات متحده آمریکا چندین سال بعد از پیشنهاد سفیر انگریست الی ۱۹۳۴ حکومت افغانستان را به رسمیت نشناخته و روابط دیپلماتیک با کشور ما نداشت و وزارت خارجه و مقامات رسمی ایالات متحده آمریکا در معاملات سیاسی با افغانستان بحیث قسمت امتداد یافته هند بریتانوی ، معامله و پیش آمد میکردند. دلاس موری امریکائی یکی از کانگرس من ها و یا وکیل ولسی جرگه ، آمریکا را متقاعد ساخته بود که ایالات متحده آمریکا نباید افغانستان را به رسمیت بشناسد و مدعی بود که افغانستان یک کشور مشکوک ، مردم آن دشمن و مردم بسیار متعصب جهان اند. این مفکوره تلقین شده دلاس موری ، سبب تأخیر برسمیت شناختن افغانستان از طرف حکومت ایالات متحده آمریکا تا سال ۱۹۴۲ گردید و حتی بعد از آن هم ایالات متحده آمریکا روی اهداف سیاسی ، افغانستان را برسمیت شناخت. هدف سیاسی آمریکا رسانیدن سلاح و مهمات حربی با متحد روسی اش بود و می خواست از طریق افغانستان ، اتحاد شوروی را کمک و مساعدت مالی و نظامی نماید، زیرا اتحاد شوروی در هنگام جنگ عمومی دوم جهانی ، از طرف جاپان و جرمنی محاصره شده و قوای نظامی جرمنی ، ماسکو را در محاصره داشتند و ایالات متحده آمریکا بخاطر بدست آوردن راه ترانزیت ، حکومت افغانستان را برسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک با حکومت افغانستان برقرار نمود و روابط آن در زمان جنگ ، با کشور ما خیلی ها صمیمانه بود. بخصوص زمانیکه انگریست بحیث سفیر و نماینده دیپلماتیک آمریکا در کابل مقیم گردید. روابط حکومت آمریکا با افغانستان تا ختم جنگ عمومی دوم ، صمیمانه و دوستانه بود و بعد از ختم جنگ و بعد از آنکه دولت استعماری از نیم قاره هند خارج گردید و هند را به دو کشور هند و پاکستان تجزیه و جای خود را به حکومت ایالات متحده آمریکا سپرد، این روابط همچنان دوستانه بود.

از سال ۱۹۴۷ الی ۱۹۵۲: بعد از جنگ عمومی دوم جهانی، اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا که در برابر کشور های متفق باهم متحد گردیده بودند ، با یکدیگر به دشمنان آشتی ناپذیر مبدل گردیدند. هرکدام برای تقویت قوای نظامی و بدست آوردن متحد، کشور های جهان سوم را جلب و جذب نموده بودند. ایالات متحده آمریکا که خلاق استعمارگران سیاه بریتانوی را در نیم قاره هند پر نموده بود ، حکومت تازه بقدرت رسیده پاکستان را غرض محاصره نمودن اتحاد شوروی ، در پیمان نظامی سنتو و سیتو شامل نموده سرحدات پاکستان را تضمین نمود ، در همین هنگام حکومت افغانستان که حمایت حکومت انگلیس را از دست داده بود ، برای دفاع از سرحدات شمال کشور از تجاوز اردوی سرخ اتحاد شوروی و امنیت کشور ، ب فکر بدست آوردن سلاح به منظور تجهیز و مدرن ساختن اردو و انکشاف وضع اقتصادی گردیده میخواست افغانستان را بصورت محافظه کارانه قدم بدم و مرحله به مرحله انکشاف داده و اردوی کشور را به منظور دفاع از تجاوز بیگانه (اتحاد شوروی) وتأمین امنیت داخلی قوی و مستحکم سازد.

جهت رسیدن به این اهداف، انتخاب اول حکومت افغانستان ، ایالات متحده آمریکا بود. تا کمک های مورد ضرورت شانرا از آنکشور بدست آورده و مشاورین و متخصصین امریکائی را در پروژه های انکشاف و تعلیم و تربیه افراد و صاحب منصبان اردوی افغان ، استخدام نماید. روی منظور فوق از کمپنی های امریکائی دعوت بعمل آمد تا در افغانستان سرمایه گزاری و تجارت نمایند. امتیازات تفحصات نفت ، انکشاف هوا نوردی ملکی و غیره امتیازات جهت سرمایه گزاری به امریکائی ها داده شد و برای جذب علاقمندی حکومت امریکا ، معلمین امریکائی را به مصرف حکومت در بهترین لیسه عالی (حبیبیه) ، استخدام نموده و قرارداد پروژه کثیرالاهداف وادی هلمند را با کمپنی ساختمانی موريسن کنودسن امضا نمود.

حکومت امریکا با این پیش آمد دوستانه حکومت افغانستان بی تفاوتی نشان داد. با آنهم حکومت افغانستان در سال ۱۹۴۹، عبدالمجید زابلی وزیر اقتصاد ملی را غرض اخذ قرضه برای پروژه های مفید زود ثمر ومتوسط که پلان اقتصادی آن خوب محاسبه و ارزیابی شده بود ، به واشنگتن فرستاد. پلان زابلی توسط وزارت خارجه امریکا به تأسیس بانک واردات و صادرات انجامید ، زیرا تا آن زمان پلان های انکشافی اقتصادی در کشور شهرت خوب کسب نکرده بود، بانک واردات و صادرات از درک پلان فوق العاده مغلق زابلی ، عاجز گردید و در عوض پیشنهاد قرارداد جدید غرض تمویل مصارف کمپنی موريسن کنودسن را به حکومت افغانستان نمود که مورد اعتراض زابلی قرار گرفت . زابلی خاطر نشان و اعتراض نمود که این سرمایه گزاری در یک پروژه طویل المدت آبیاری ،منتج به انکشاف غیرمتوازن گردیده باعث بوجود آوردن پرابلم های خطیر میگردد ، در واقع وی میخواست از گرفتن قرضه صرف نظر نماید ، اما صدراعظم شاه محمود خان رئیس هیئت برخلاف نظر زابلی ، سرمایه گزاری پروژه آبیاری وادی هلمند را پذیرفت، زیرا وی میخواست بنا بر ملحوظات سیاسی با ایالات متحده آمریکا روابط نزدیک اقتصادی داشته باشد. صدراعظم افغانستان در اثنای مذاکرات با ترومن رئیس جمهور امریکا ، خاطر نشان نمود که حکومت افغانستان در گرفتن قرضه از ایالات متحده آمریکا ، ملحوظات سیاسی و اقتصادی را در روشنی و دلچسپی اتحاد شوروی و پیشنهادات آنکشور به افغانستان ، مد نظر دارد. اما زابلی در اخیر از وظیفه خود استعفا نمود.....

ایالات متحده آمریکا با رد پیشنهاد حکومت افغانستان و هیئت آن که خواستار سهم و رول وسیع امریکا در اقتصاد و انکشاف کشور بود ، دیپلوماسی و سیاست ضد ملت افغان ، راه را برای هجوم اقتصادی اتحاد شوروی در دهه ۱۹۵۰ باز نمود.

آنچه بیشتر سبب آزردگی و مایوسیت حکومت و هیئت افغانی گردید ، رد تقاضای کمک نظامی حکومت افغانستان توسط حکومت ایالات متحده آمریکا بود.

بعداً حکومت افغانستان خریداری وسایل نظامی ایالات متحده آمریکا را که از جنگ عمومی دوم جهانی باقی مانده و در جزیره دگوکارسیا ذخیره شده بود ، تقاضا نمود ، مقامات رسمی امریکا جواب تقاضای حکومت افغانستان را به تعویق انداخته و بعداً برای انصراف از فروش آن به حکومت افغانستان ، دلیل ذیل را متذکر شدند:

افغانستان در اثنای جنگ ، متحد امریکا نبوده و سنا و کانگرس همچو فروش را اجازه نمی دهد، لهذا پرنسپ حکومت امریکا مخالف فروش سلاح به حکومت افغانستان می باشد. با لآخره حکومت افغانستان از خریداری سلاح امریکائی صرف نظر نموده و در عوض سلاح مورد ضرورت عاجل خود را از چکسلواکیا خریداری نمود....ولی بازهم حکومت افغانستان در طول دهه ۴۰ و ۵۰ بصورت متداوم در تمام قدمه های خورد و بزرگ از اتشه نظامی امریکا در سفارت آنکشور مقیم کابل الی رئیس جمهور امریکا در واشنگتن دی سی ، تماس برقرار نمودند و تقاضای روابط نظامی و اقتصادی را با آنکشور نمودند و از حکومت امریکا چیزی را مجانی و رایگان تقاضا نمی کردند و میخواستند جهت خریداری اسلحه امریکائی و تعلیم و تربیه اردوی افغان ، از ارز یا اسعار خارجی کشور استفاده نمایند. در ماه دسمبر ۱۹۴۹ عبدالمجید زابلی عضو هیئت افغانی ، به مقامات رسمی امریکا در واشنگتن گفته بود که : " حالا که انگلیس ها از نیم قاره هند خارج میشوند، حکومت افغانستان از تجاوز و حمله روس ها در افغانستان در خوف و حراس بوده برای دفاع از سرحدات و تأمین امنیت داخلی در برابر قیام و تمرد قبایل ، به سلاح و مهمات نظامی ضرورت دارد...."

اما از سال ۱۹۵۰ به بعد یک مانع بزرگ عرض اندام نمود که عبارت از متحد جدید امریکا در منطقه ، یعنی حکومت پاکستان بود که در برابر تقاضای کمک نظامی و اقتصادی ایالات متحده آمریکا به افغانستان ، بصورت خیلی ها جدی

مخالفت و ممانعت مینمود و مناسبات آنکشور روی موضوع پشتونستان ، با حکومت افغانستان بصورت غیر عادی انکشاف میکرد. اما از نگاه حکومت پاکستان و متحدش امریکا ، موضوع پشتونستان ساده و از لحاظ سیاسی یک موضوع ساختگی برای بدست آوردن مناطق ایکه قبلاً افغانستان از دست داده بود ، توسعه سرحدات قلمداد می گردید. دیپلمات های امریکائی تقاضا و پیشنهادات متداوم و مکرر مقامات افغان را مبهم و اذیت کننده تلقی میکردند و موضوع نزد آنها خسته کننده و ارزش آنرا نداشت که مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته مغلق بودن آنرا در یابند. گذشته از آن ایالات متحده امریکا برای مهار نمودن رژیم کمونیست اتحاد شوروی ، در عصر پکت بازی وزیر خارجه آنکشور قرار داشت و پاکستان را وادار می ساختند که در پکت های نظامی سنتو و سیتو در حلقه اتصال شمال جهت دفاع در مقابل شوروی ، شامل گردد. ایالات متحده امریکا در برابر دریافت پایگاه نظامی در پاکستان ، سرحدات آن کشور را در برابر افغانستان تضمین و برسمیت شناخت و خلاف مقررات بین المللی ، حریم هوائی افغانستان را با طیارات یو۲ خود جهت بدست آوردن اطلاعات نظامی اتحاد شوروی ، مورد استفاده قرار میداد.

در اکتبر ۱۹۵۴ صدراعظم جدید افغانستان ، محمد داوود خان ، برادر خود محمد نعیم وزیر خارجه افغانستان را غرض ملاقات با دلاس وزیر خارجه امریکا ، به آنکشور فرستاد تا آخرین پیشنهاد را غرض بدست آوردن کمک های نظامی به دلاس تحویل بدهد. دلاس در ماه دسامبر جواب داد: " دادن کمک نظامی به افغانستان پرابلم را حل نکرده ، بلکه تقویت نظامی پرابلم خلق میکند. در عوض درخواست کمک نظامی، افغانستان قضیه پشتونستان را با پاکستان حل نماید." دلاس بجای اینکه پرابلم را که در فکرش خطور میکرد ،بیان بدارد، کاپی جواب پیشنهاد افغانستان را به حکومت پاکستان فرستاد و با افشای پیشنهاد محرمانه ،خلاف تعاملات دیپلوماسی ، حکومت افغانستان را منزجر ساخت . با گذشت یک ماه از این موضوع ، در جنوری ۱۹۵۵ ، صدراعظم افغانستان ، محمد داوود خان ، پیشنهادات اتحاد شوروی را که قبلاً توسط حکومت افغانستان رد گردیده بود ، پذیرفت و در همان سال (۱۹۵۵) موضوع مناقشه پشتونستان ، افغانستان و پاکستان را بر لبه جنگ نزدیک ساخت و لویه جرگه افغانستان کمک نظامی اتحاد شوروی را که صدراعظم افغانستان پذیرفته بود ، تائید نمود و در دسمبر همان سال بلگائین و خروسچف از کابل بازدید بعمل آورده و از قضیه پشتونستان طرفداری و حمایت خویش را ابراز داشتند و در ضمن تجهیز و مسلح نمودن قوای زمینی و هوائی افغانستان را به حکومت افغانستان پیشنهاد نمودند.

ادامه دارد